

تلگراف کرمان انجمن زردشتیان

بتوسط جناب ارباب جمشید حضور مبارک بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی ارواحنا العالمین فداء قربان خاکپای معدلت فرسای مبارکت گردیم در این موقع که بنیروی عدالت شهریاری اغتشاشات ایران مبدل به آسایش و هستی این طایفه ضعیف شاهپرست تا حدی از پنجه اشرار رها شده تشکرات صمیمی را تقدیم آستان معدلت بنیان همایونی داشته در ظرف مدت هرج و مرج اهل بیت ضعیف بکلی از حقوقات زندگی مسلوب الاختیار و مهارسپرده دست اشرار بودیم بشکرانه این نعمت کبری که باز باهتر از شمول معدلت مشمول خسرو ایران پناه خاطر مبارک شاهنشاه به سرکوبی اشرار و آسایش بلاد تأمین حال عباد متوجه و مصمم گردید از خداوند متعال درخواست داریم این دوره سلطنت جاوید آیت تا ابد به سعادت همدم و ذات مقدس شاهنشاه جهانبخت در اریکه جهانبانی بتوفیق نصرت توأم ماناد تراج امیدوار چنانیم به توجهات ملوکانه و تفقدات شاهانه امر مواکید در تأمین و جبران خسارات زمان ماضیه من جمیع جهات این ملت ضعیف به بندگان اجل ایالت جلیله کرمان مدظله متعالی شرف صدور یابد اقدامات وافی در حفظ حقوق و ترفیه حال ما بیچارگان ضعیف فرموده بکلی دست اشرار و سوانعین حقوق را از سر این طایفه مظلوم کوتاه فرمایند تا مرفه به دعای ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداء و امر رعیتی اهتمام نمایند.

امیدواران شاهپرست انجمن ناصری زرتشتیان کرمان.

تلگراف عموم اعیان و اشراف کرمان

بتوسط حضرت مستطاب اجل اشرف افخم صدارت عظمی مدظله العالی به خاکپای فلکفرسای اقدس همایونی اعلی ارواحنا فداء دستخط جهان مطاع مبارک که مبنی بر تجدید مجلس شورای ملی و اعطای مشروطه و تعیین و کلا بود زیارت گردید این جان نثار اباعن جدپورده نعمت دولت و خانه زاد اعلیحضرت قدر قدرت هستیم به جز شاهپرستی شیمه و دیدنی نداریم در این دو سال که عنوان مشروطه در خطه ایران شد احدی به جان و مال و عرض و ناموس خود ایمن نبوده هر فتنه جویی بعنوان آنکه حامی مجلس مقدس است خود را مالک الرقاب دانسته آنچه خواست کرد به خدای قاهر قادر غالب و به تاج و تخت بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی که در این دو سال دو ساعت خواب راحت به چشم عموم خانه زادان نرسیده چه جانها که تلف شد چه پرده های عرض و ناموس مسلمانان که پاره شد چه مالها که به تاراج رفت چه قریه های معتبر که غارت شد جمیع ابواب دادوستد مسدود جمیع املاک به قیمت ثلث تنزل کرده ملکی که در سه سال قبل هزار تومان ارزش داشت در این دو سال طوری تنزل کرده که امروز در چهارصد تومان پول نقد مشتری نخواهد داشت قالی و سایر امتعه کرمان بهمین منوال

بهر جهت طوری تمام طبقات مردم از اعلی و ادنی و خاص و عام و غنی و فقیر ناامید شده بودند که این بذل توجه آخری بندگان اعلیحضرت اقدس همایون را در اصلاح حال رعیت فقط تفضل مخصوص دانستند از خداوند قادر منتقم و توجه امام زمان عجل الله فرجه تا الحمد لله از برکت آن وجود مسعود مقدس ارواح العالمین فداه بیچارگان در مهدهای آسوده و هر کس خود را صاحب جان و مال و عرض و ناموس و هستی خود دانسته با نهایت تشکر و دعاگویی مشغول اصلاح خرابیهای وارده شد که پاره‌ای ابداً اصلاح‌پذیر نیست و پاره‌ای یکسال و دو سال وقت می‌خواهد تا به اصلاح اولی خود برسد چنانکه الحمد لله در این اندک وقتی که ایالت کرمان مفوض به ایالت حالیه شد به سراقبتها و دقتهای مخصوص که با حسن سلوک در انتظام امور مملکتی کرمان فرموده‌اند طوری مردم آسوده و امیدوار شده و رفع غالب هرج و مرجها را نموده‌اند که عموم مردم به دعای دوام عمر مبارک می‌گذرانند در صورتی که خاطر خطیر ملوکانه بر صدق تمام عرایض صادقانه خالصانه خانه‌زادان دولتخواه آگاهی تمام دارد پس صدور این فرمان جهان مطاع نتیجه کدام گناه و تقصیر خانه‌زادان است که باز مبتلای به این درد بیدرمان شویم در کمال عجز و انکسار به آستان طیب آگاه می‌رسانیم که اگر فرمان قضا جریان بر قتل عموم خانه‌زادان شرف صدور باید هزار مرتبه بهتر و گوارا تر از اوضاع مشروطه و گرفتاری دست اشرار خواهد بود دیگر صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

عموم اعیان کرمان سالار نصرت - موقر الملک - نصره الممالک - مختار الملک - مستعان الملک - سایر اعیان و اشراف کرمان.

تلگراف وجوه علما و حصون اسلام و رجال عظام از همدان

بتوسط جناب مستطاب اجل مختار الدوله دام اقباله به آستان مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی خلد الله ملکه و سلطانه حکومت جلیله حسب الامر همایون مبارک مراتب عطف و مراجع خسروانه قاطبه اهالی همدان از علما و سادات و اعیان و اعزّه و رعایا در امنیت و اطمینان کامل مثل آفتاب تابان روشنی بخش گشته بود ابلاغ نموده دلها را خرم و زبانها را ثناخوان گردانید ادام الله النعم و دفع النقم بحمد الله شهر در نهایت امنیت و عموم رعایا و تمام طبقات مردم به آسودگی مشغول دعاگویی و منتظر اوامر ملوکانه هستند.

دعاگویان صمیمی - آقا حسین - حاجی شیخ باقر - آقا ابراهیم امام جمعه - حاجی میرزا حسن - حاجی میرزا حسین - شیخ الاسلام قاضی - آقا سید محمد - آقا تقی - محمد علی میرزای مشکوه الملک - محسن میرزای امیرنجه - میرزا سید احمد شریف الملک - میرزا ابوطالب مستوفی - میرزا جعفر خان ذوالریاستین - رئیس التجار - عموم تجار و

بتاریخ ششم جمادی الاخری

تلگراف شیراز از حضرت ملاذالاسلام والمسلمین آقای فال اسیری داست افاضاته

توسط جناب مستطاب اشرف افخم آقای مشیرالسلطنه دامت شوکتة حضور رأفت ظهور اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایونی شاهنشاه اسلام پناه خلدالله ملکه و سلطانه الحمدلله الذی ایدک و لیه و نصرک بنصرته و فتح لک فتحاً سبینا بعد از عزل و حرکت سرکار والاظلم السلطان مملکت فارس راحت و اهالی به شاهپرستی در کمال اطاعت منقاد سیدلاری شب هنگام فراراً به محل خود عودت مفسدین مخفی و کل ما جاؤ به السحران الله سیبطه ان الله لا یصلح اعمال المفسدین انشاءالله از برکت وجود حضرت حجةالله ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و از اقبال بی زوال و بخت بلند اعلیحضرت شهریاری امید است هر یک به سزای عمل خود برسند والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

الداعی الدولة والخادم الشریعة محمدالموسوی فال اسیری.

تلگراف عموم علمای اعلام و اعیان عظام از رفسنجان

به خاکپای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون خلدالله ملکه و سلطانه ارواحنا فداه عرضه داشت می نماییم از دستخط مبارک همایونی که بتوسط جناب مخبرالدوله عموم اهالی ایران را مورد سیاهات فرموده بودند فدویان نیز قرین افتخار و نهایت تشکر و امیدواری را حاصل نمودیم امیدوار از برکات مراحم ملوکانه عنقریب هرج و مرج بلاد خصوص از این صوب رفع و از فتنه مفسدین و شر اشرار آسودگی حاصل شود جان نثاران هم بقدر مقدور در امثال اوامر ملوکانه و فرمانبرداری و اطاعت و انقیاد و رعیتی خود حاضر و از خود جان و مالی نداریم ظل ظلیل اقدس ظل اللہی مستدام باد.

فدویان علما و اعیان و تجار و سایر اهالی رفسنجان سیدابوالقاسم - محمدتقی - محمدعلی - اسمعیل - محمدعلی - یوسف - علی اکبر.

تلگراف حضرات حجج اسلام قم دامت برکاتهم

حضور مبارک اعلیحضرت اقدس شهریاری خلدالله ملکه و سلطانه بشارت ملوکانه تلگرافاً که نصی صریح بود بر مساعدت و همراهی مشروطه شروعه و عزیمت مجدانه شاهانه بر محو آثار ظلم و عدوان و کفر و طغیان و رفع هرج و مرج منتشر در بلاد ایران که باعث شد بر تلف شدن نفوس و هتک اغراض و نهب اسواال یحیدی که وصف از

عهدهٔ تحریر قلم و تقریر لسان بیرون است موجب مزید تشکر این خادمان شریعت و داعیان دولت و ملت گردید بلکه عموم اهل اسلام را که از دست تعدی مفسدین بیدین در این مدت دل‌های مرده و خون‌های افسرده بود حیاتی تازه و سسرتی بی اندازه حاصل شد الحق قلب منیر مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی آینهٔ صافی تمامی ملت است قاطبهٔ حجج الاسلام و فقهای اعلام بالتامی اهل اسلام در همراهی مشروطه مشروع و تقویت مذهب جعفری رفع الله اعلامه حاضر و مهیا در بذل مهج و خوف لجاج عن آخره کلمه واحد هستند و اگر از طرف پاره‌ای از منحرفین و مفسدین در این زمان به اغوای بعضی از شیاطین تهران برخلاف مقاصد حقه ملوکانه مخابره و تلگراف شود باعث تشویش خاطر مبارک اعلیحضرت همایونی نگردد فانها نفتح بالاضرام فکن بعون الله کالجبال الراسخ لایحمر که العواصف و عمده اغتشاش این بلد از مقهوریت حکومت است بجهت مقاصد شخصی خود از دست این مغرضین انشاء الله امید است به تبدیل حکومت این بلدهٔ طیبه از اینگونه آلودگیها پاک و پاکیزه شود.

داعی محمدصادق الحسینی - احقر محمدصادق قمی - الحقییر محمدحسن قمی.

تلگراف جناب ملاذالاسلام آقای حاجی میرزا محمد قمی سلمه الله

حضور سراجم ظهور بندگان اقدس همایون شاهنشاه اسلامیان پناه خلدالله ملکه و سلطانہ معروض می‌دارد بواسطهٔ عدم قدرت بر توقیف مصادف با حرکت موکب همایونی به باغ‌آشاه به عزم دعاگویی و توسل وارد قم شده تا آنکه بحمدالله از توجهات حجة عصر ارواحنا فداه و مساعی جمیله خسروانهٔ اعلیحضرت ظل‌اللهی عود اسلام و عید مسلمانان شد عموم اسلامیان خاصه اهل قم از آن موهبت عظمی شاکر و دعاگویی افسوس که بعدودی مفسد با کمال تجری در اشاعهٔ اغراض باطله آزاد خصوص از صدور دستخط آفتاب نقطه که مشعر بر عنایات شاهانه و تأسیس عدلیه بود زیاده بر جسارت افزوده و به خیالات فاسده مشغول جلوگیری و قلع ماده مغرضین جداً موقوف به اوامر مطاعه ملوکانه است.

اقل خدام شریعت‌الداعی دوام دولت محمدبن حسن قمی ۱۳ جمادی الاولی.

صورت تلگراف و مکتوبی است که از طرف حضرات علمای اعلام

و حصون اسلام مازندران دامت افاضاتهم شرف صدور یافته

بتوسط حضرت مستطاب حجة الاسلام آیه الله فی الانام آقای حاجی شیخ فضل الله دامت برکاته به ساحت قدس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایدالله جیشه و انصاره معروض می‌داریم که دو سال بود گرفتار هیاهوی مشروطه‌طلبان و آشوب‌خواهان که غالباً از ارادل و اوباش مملکت بودند آنچه خواستند گفتند و کردند از اشتها رکتب ضلال و

روزنامجات کفریه و هتک عرض و شرف رؤسای دین و ملت و نهب اموال و خونریزی در اطراف مملکت ایران و سلب امنیت و تقویت کفر و تضعیف اسلامیان تا کار را بجایی رساندند که قلب مبارک اعلیحضرت همایونی از عموم دعاگویان منکسر شده مجال رسیدگی و توجه به امور رعیت که فرزندان سلطنت هستند نمی فرمودند همه امورات مملکت و مسلمانی از دست رفته سلسله جلیله علما که حافظ قوانین محکمه آئیه هستند از تکالیف آئیه بازماندند بواسطه شرارت اشرار در گوشه و کنار مخذول و پنهان شدند تجار که مایه ثروت اهالی هستند دست از کسب و معامله کشیدند و اگر هم یکنفر بیچاره حمل جنس از بلادی به بلادی می کرد مالک او نبود باز بملاحظه اینکه مبادا مورد مواخذة اعلیحضرت شویم همه را تحمل کردیم تا اینکه بحمدالله از توجه صاحب شریعت و همت بلند ملوکانه صدای توپ اسلام بلند شد و شر آنها از سر این دعاگویان کم شد حالیه دوباره شنیدیم دستخط اجازه تشکیل مجلس و تجدید اوضاع سابقه به آنها مرحمت فرموده عموم دعاگویان آرام نداریم و بعین می بینیم که اگر خدا نخواسته مشروطه دوباره برپا شود دیگر اسمی و رسمی از شریعت و دین چیزی باقی نخواهد ماند لهذا صریحاً عرض می کنیم چون این مسئله مضر دین و مذهب است نه مجلس می خواهیم نه مشروطه چنانچه این امر راجع به دنیای محض ما بود جای سکوت و تحمل بود لیکن چه کنیم چون امر دین و مذهب است مجال از برای سکوت نخواهد بود لهذا تا جان و مال داریم در دفع این اساس حاضریم اعلیحضرت همایونی را به روح پاک ائمه اطهار علیهم السلام قسم که دوباره راضی به زوال استقلال دولت اثنی عشری نشوند در تحت لوای معدلت همایونی آسوده و مرفه الحال بوده به دعای بقای ذات ملکوتی صفات مشغول باشیم آقا شیخ محمد و شمس العلماء اللهم انصر من نصر دین محمد صلی الله علیه و آله سیما شیخنا و ملاذنا دام بقاءه

انعقاد مجلس مشروطه بدعت و حرام است و اعدام آن واجب و قد حکمت بذلک والله احکم الحاکمین حرره الاحقر شیخ العراقین.

صریحاً عرض می کنم که بعد از انعقاد مجلس شوری محسوس و مشاهده شد که تغیر احکام شرع خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله و تذلیل اهل اسلام بوده حرام و خلاف دین مبین است حرره الراجی غفور به الکریم.

جای شبهه از برای احدی از مسلمین در حرمت اساس می شوم مشروطه نخواهد بود حرره الاحقر.

بسم الله وله الحمد ذلک الكتاب لاریب فیه حرره الاقل.

چون قول مشروطه طلبان در ملاء قول مسلمین و قول ایشان در خلاء مثل افعال و آثار فعلیه ایشان افعال و اقوام ملحدین امر بر رؤسای ملل شسته اطاعت در خصوص واقعه حرام و اللعنة عی اعداء الله و الامناء و الاولیاء و المسلمین.

بسم الله الرحمن الرحيم

این مجلس مشروطه که بالعبان در این بلده مشاهده شد و از سایر بلدان اسلام اوضاع آن را متواتراً نقل نمودند که موجب اختلال نظام امور مسلمین است معاداً و معاشاً بحکم عقل و شرع حرام است حرره الاقل الاحقر.

صورت سنوال و جوابی که از حضرت مستطاب سیدالفقها والمجتهدین
محبی شریعت سیدالمرسلین المولی المعظم والاستاد المکرم آقای آقا سید
محمد باقر مدرس اصفهانی درچه دامت افاضاته شرف صدور یافته

بسم الله الرحمن الرحيم

حجج اسلام و مروجین شریعت خیرالانام دارالسلطنه اصفهان دامت برکاتهم چه می فرمایند در این مجلسی که در تهران تشکیل شده و به خیال اینکه مروج شریعت غرا می باشد عامه مسلمین جانها فدا کردند و اموال و اعراض هدف تیر بلا کردند که حاجت شرح نیست که در ظرف این دو سال از برای هر عاقلی نتایج آن مکشوف است آیا جایز است انعقاد چنین مجلسی در شریعت مطهره یا خیر مستدعی آنکه رأی مبارک را در صدر این ورقه مرقوم فرمایند.

وکان ذلک فی ربیع الثانی ۱۳۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

مفاسدی که ظهور نمود در این دو ساله از جهت پیاشدن این مجلس از حد و حصر بیرون است و از جمله امهات آنهاست رواج مذاهب باطله و منها اضحلال طریقه اسلام از جهات متکثره بلکه متصدی شدن کسانی که در زمره مروجین احکام شرعیه محسوبند از برای ترویج محرمات واضحه یا نهی نکردن از عاملین با تمکن از نهی یا منشاء شدن از عاجز شدن سایرین از نهی از منکرو منها توهین شدن به صاحب شریعت و ارکان اسلام و به بعض احکام شرع و منها کثرت توهین به علمای اعلام و رفع قبح آن در اکثر انظار یا بخصوص بعض آنها حتی از کسانی که باید اظهار عدالت و تقوی آنها بکنند با توهین مؤمنین محترمین و منها انتشار بعمل مساوات میان مسلمین و کفار در دیت و قصاص از خود اهل مجلس که یک فقره آنرا خود فی الجمله در کار بودم بلکه اخذ کردن مسلم از برای قصاص از برای کافر بمجرد تهمت بلکه مشهور شد کشته شدن چندین نفر بجهت یک کافر بلکه با تعدیات دیگر و از آن طرف در بسیاری از موارد قتل مؤمنین و جرح به آنها بالمره انتقام از آن مرتفع و منها کثرت انتشار فحش میانه مردم و هرزگیهای بی میزان و اندازه و ظلمهای بی میزان و مأخذ فراش و غیره و منها رفع امنیت که موجب قتل یکدیگر و نهب اموال و دزدیها در طرق و آبادیها منتشر و منها آنکه از

قبل خود اهل مجلس منع کردن حمل مردم اجناس از مال خود از قبیل برنج و غیره به سایر بلاد و گرفتن مقداری پول از هر که می خواهد حمل بکند بلکه صدمات دیگری که بعضی از برای من نقل کردند و بالجمله مفاسدی که از جهت خصوص پیاشدن این مجلس پیدا شده از حد و حصر بیرون است و اعانت کردن بر پیاشدن چنین مجلس از چندین جهت حرام است که از جمله آنها اعانت بر اثم باشد بلکه در این اوقات که مجلس بین رفته اقامه آن مفاسدش اکثر است و اعانت کردن بر آن حرمتش اشد است. ازید از این مجال بیان نیست و الاحرف بسیار است والله الموفق والمعین.

حرره باقرین المرتضی الموسوی.

صورت سؤال و جوابی است که از طرف حضرات علمای اعلام و حصون

اسلام ساری دامت افاضاتهم شرف صدور یافته

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض انور حضرات حجج اسلام و حماة احکام مدالله جللالهم می رساند در توفیق رفیع خطاب مستطاب چنین صادر گردید که اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادینا از جمله وقایع بزرگ مستحدثه که تکلیف حتمی ما معاصر مسلمین رجوع به شما سلسله مجتهدین عظام و نواب عام امام علیه السلام است واقعه مشروطه است که موضوع و نتایج و آثار آن را در همه اصقاع این مملکت دیدید و شنیدید اصول عمده مشروطیت که در تمام ممالک خارجه ارباب ملل متفرقه مؤسس داشته اند حریت و مساوات است و در آن ممالک که کتاب آسمانی و قانون روحانی ندارند برای تنظیم معاش خود قوانین مشروطیت معمول به و مخترع داشته اند آیا در ممالک اسلامی خاصه اثنی عشری تکلیف اهل ایمان در مساعدت با آن اساس و عدم همراهی با آن چیست مستدعی است حکم الله واقعه را مرقوم و به خاتم شریف مختوم فرمایید.

قال الله تعالی فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون وما علی المحسنین من سبیل

جواب صادره از طرف حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای شیخ کبیر

و جم غفیری از سایر فقها عظام دامت برکاتهم

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالی هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون — افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستون چون اغلب از احکامات محکمه الهی جلت عظمته مبنی بر عنوان عدالت و دیانت می باشد مشروطیت و حریت که مشتمل است بر تسویه بین مسلم و کافر و عادل و فاسق و جاهل لاشک و لاریب فی حرمتها و چنانچه کسی حلال بداند تقویت آن را و اعانت نماید اساس آن را از ربنه اسلام و ایمان و عقل خارج است در

این مدت دو سال آنچه از مشروطه و مجلس دیدیم و شنیدیم جز سفک دماء محترمه و نهب اموال و تقویت اهل ضلال و نشر انواع منکرات و هتک شرف رؤسای دین و ملت و تجری اهل شقاق و نفاق دیگر چیزی نبود فعلی هذا اعانت مشروطه و مجلس حرام و بدعت است و تجدید آن هدم بنیان اسلام و تقویت آن تضعیف قوانین شریعت حضرت خیرالانام (ص) و تسدید و تشیید آن معاندت و محاربه با امام زمان است عجل الله فرجه لقد حکمت بذلك و قد صدر الحکم به من الاحقر قولاً سابقاً.

نمقه الجانی محمد حسن الکبیر - الاحقر شیخ جعفر - الاحقر علی اصغر - الاحقر محمد رفیع - الاحقر شیخ یوسف - الاحقر شیخ مهدی - الاحقر محمد - الاحقر شیخ علی امام.

جواب صادره از ناحیه جناب ملاذالانام ثقة الاسلام والمسلمین آقای آقا

شیخ سلمان و جل کثیری از علمای اعلام دامت افاضاتهم

بسم الله الرحمن الرحيم

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم واقعه مشروطیت مملکت ایران از جمله امتحانات آلهیه بود که بندگان خود را آزمایش فرماید لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی بینة در بدو امر مقصد محترم عدل و آسایش را بهانه کردند و بعد از شروع در کار مفسدین و منحرفین وارد شدند و هر روز یک عنوانی روی کار آوردند و هرج و مرج را در مملکت شایع کردند هزاران نفوس و اموال و اعراض محترمه را بباد فنا دادند نعوذ بالله من شرورهم حقیقتاً خوب امتحانی دادند و چشم جبت و طاغوت را به اعمال ناشایسته خود روشن کردند و آنچه سفارش حضرت ختمی مرتبت (ص) درباره دین متین و قرآن مبین فرموده بود پشت سر انداختند گمان ندارم در همه این مملکت صد نفر طالب آن هرج و مرج بوده باشد و می توان گفت همراهی با مشروطه محاربه با امام عصر عجل الله فرجه است و حرمت تجدید و تأسیس آن بر همه مسلمین واضح و مبرهن است و لقد حکمت و قضیت به والله خیر الحاکمین.

حضور شریعت دستور حجج اسلام قاطنین در عتبات عالیات دامت ظلالمهم معروض می دارد چه می فرمایید در همراهی با مشروطه و عمل بقوانین موضوعه جدید که برای اهالی ایران نوشته اند آیا عمل به آن قوانین موضوعه جدید لازم و واجب است یا خیر استدعا آنکه جواب را در صدر عریضه مرقوم و مرحمت فرمایند که تکلیف شرعی عباد الله معلوم شود ایام افاضت و افادت مستدام.

بسم الله خیر الاسماء

چون این سؤال از وظیفه این داعیان خارج است و نمی دانم از مشروطه چه اراده دارند مرقوم می شود اگر مراد مشروطه عمل به احکام قرآن مجید و شریعت سید المرسلین (ص)

است هیچ شبهه نیست که لازم است بر تمام مسلمین که همراهی از او بنمایند و معلوم است نبی اکرم (ص) در شریعت مطهره تمام احکام را ذکر نموده‌اند و اتمام دین و کمال او را از احکام و سیاسات فرموده و هیچ مسلمی در این امر شک ندارد و الا خاتمیت حضرت رسول (ص) صحیح نبود پس بنابراین عمل به قوانین موضوعه جدید را که مرقوم نموده‌اند در سئوال تفهیمیده‌ایم که چه بوده است مراد از او چون امور شرعیه وضع جدید نمی‌خواهد علمای اعلام قدس الله ارواحهم از صدر اسلام مرقوم فرموده‌اند و بجهت اعمال مسلمین فارسی هم نوشته‌اند و اگر مراد به مشروطه عمل به قوانین موجود در ممالک خارجه است چنانچه بعضی از مطبوعات از ایران مشاهده شده است معلوم است که این امر با شریعت سید المرسلین (ص) بلکه با هیچ شریعت و مذهبی درست نمی‌آید که امورات به اختلاف بلدان و اقطار و ازمان فرق کند بلکه این واضح بر هر عامی است و قابل سئوال نیست و تفهیمیده‌ایم که چه مقصود بوده والله اعلم.



کتاب پنجم بیاد قاضی قزوینی

قیام تبریز

قیام تبریز در راه آزادی و پیاخاستن جماعت معدودی برضد یک دولت ستمگر که به تمام وسایل مجهز و از باده نخوت و کامیابی سرمست بود نه فقط یکی از صحنه‌های پرافتخار نهضت مشروطیت ایران را تشکیل می‌دهد بلکه یکی از حوادث مهمی است که در تاریخ عمومی جهان ضبط و جاویدان خواهد بود.

اگر بخواهم وقایع و حوادث قیام تبریز را به تفصیل بنگارم باید لااقل یکی از مجلدات این تاریخ را بدان اختصاص بدهم ولی بطوری که در جلد اول این تاریخ نوشتم خوشبختانه یکی از فرزندان محقق این آب و خاک (مرحوم کسروی) این خدمت ملی را انجام داده و در تحت عنوان «تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان» قیام تبریز را به تفصیل نگاشته و در دسترس عموم گذارده است. با قدردانی و ستایش از زحمتی که نگارنده تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان تحمل نموده و تصدیق شایستگی او در تحقیق و تجزیه و تحلیل از نظر حقیقت‌گویی از ذکر یک نکته دقیق نمی‌توانم خودداری کنم و آن نکته اینست که کسانی که تاریخ انقلابات ملل و تحولاتی که در میان اقوام و اسم ظهور کرده نوشته‌اند بعضی در متن وقایع بوده، یعنی در مراکز ملی و مجامعی که مغز جامعه انقلابی را تشکیل می‌داده، شرکت داشته و احاطه و اطلاع از رموز مسائل و کمون وقایع داشته‌اند و در حقیقت از سلسله جنبانان دستگاه اعصاب انقلاب بوده‌اند و بعضی دیگر در حاشیه حوادث و دور از وقایع بوده و آنچه شنیده و یا دیده‌اند به رشته تحریر در آورده‌اند.

مرحوم کسروی با اینکه مرد مطلع و محقق بود متأسفانه در مراکز انقلاب راه نداشته و بطوری که اشاره کردیم در حاشیه آن نهضت راه می‌رفته و آنچه را که از دور مشاهده می‌کرده به رشته تحریر در آورده و قضاوت نموده.

بهمین دلیل کتب کسروی بیشتر حاوی ذکر وقایع است و فلسفه حوادث در آن دیده نمی‌شود. نگارنده برای آنکه این دوره تاریخ از هر جهت کامل باشد با احزابی که هسته مرکزی قیام تبریز را تشکیل داده بود و با عناصری که موتور آن دستگاه بودند تماس پیدا کرده و به پرونده‌های مراکز انقلابی راه یافته و اجتهادات مستخرج و

اطلاعات بدست آورده را در صفحات این تاریخ منعکس نموده.

کودتای محمدعلیشاه و یا بهتر بگوییم نقشه دولت استبدادی روس که از دیرزمانی با سهارت برای از میان بردن قیام ملی ایران تهیه شده بود غفلتاً چون صاعقه بر سر ملت ایران فرود آمد و همه را گیج و سیهوت کرد ولی خوشبختانه مشروطه-خواهان تبریز غافلگیر نشدند و بهمین جهت توانستند سرپا بایستند و در مقابل دشمن آزادی پایداری کنند.

مشروطه خواهان تبریز به خوبی محمدعلیشاه را می شناختند زیرا سالها با او سروکار داشته و از خبث نیت او با اطلاع و یقین داشتند که این سردنپاک دیر یا زود ضربه مهلکی بر پیکر مشروطه جوان که هنوز مبانی اش مستحکم نشده و پایه هایش در روی زمینه مستحکمی استوار نگشته وارد خواهد آورد و از تحریکات محمدعلیشاه در ایلات و عشایر آذربایجان بخوبی مطلع بودند و از رابطه سران فتودال مستبد آذربایجان با روسها آگاهی داشتند و از تهیه هایی که در شهر تبریز و ایلات برای هجوم به سراکز ملی می شد با خبر بودند و خود را تاحدی در حال آمادگی و حاضر باش نگاهداشته بودند. و کلای تبریز مخصوصاً تقی زاده - مستشارالدوله - حاجی میرزا ابراهیم آقا که از رهبران انقلاب بودند با موکلین خود در تماس بوده و به وسیله تلگرافها و مخبرات حضوری، انجمن ایالتی تبریز و سران ملیون را از وخامت اوضاع و خطری که در پیش بود آگامی کردند، این بود که از چند روز پیش از آنکه مجلس به توپ بسته شود دو دسته مستبد و مشروطه که در تبریز در مقابل هم قرار گرفته بودند در حال آماده باش بودند و بای صبری و نگرانی انتظار وقایع و پیش آمدهای تهران را می گتسمند.

مستبدین تبریز که از طرف علمای آن سامان رهبری می شدند و انجمنی به نام انجمن اسلامی تشکیل داده و در آنجا توای خود را متمرکز کرده بودند بهتر از مشروطه-خواهان از حقایق امور اطلاع داشتند زیرا آنان دائماً با محمدعلیشاه و دربار باغشاه در تماس بودند و دستور می گرفتند به علاوه قنسول روس متبیه تبریز آنها را مطمئن کرده بود که دیری نخواهد گذشت که انقلاب ملی سقوط خواهد کرد و محمدعلیشاه بر اوضاع مسلط خواهد شد و کارها بر طبق آمال آنان خاتمه خواهد یافت.

همه روزه سران مستبدین به ریاست حاجی میرزا احسن آقا سنجید و سیدعاشق که ما مکرز نام آنها را در مجلدات پیش نوشتیم و در آنده هم به چه برخورد خورد - کتبر علمای تبریز در اسلامیه جلسه می کردند و عده بیشتری در آنجا جمع می شدند و در آنجا خود جمع کرده منتظر رسیدن آخرین خبر تهران بودند و برای تضعیف انجمن املی و مشروطه خواهان نقشه های گتسمند و اعلامیه ها د کتبر آن منتشر می نمودند.

حربه تکفیر که برنده‌ترین اسلحه است هر روز بدست آخوندها تیزتر می‌شد و چماق دین برای سرکوبی آزادی از آستین کسانی که خود را رهبر دین می‌دانستند نمایان‌تر می‌گردید.

با آنکه مشروطه خواهان با نگرانی و اضطراب سخت‌ترین دقایق را می‌گذرانیدند و منتظر اخبار تهران بودند احتیاط را از دست نداده عده‌ای افراد مسلح که در اختیار خود داشتند گرد انجمن و مراکز ملی جمع نموده و افراد را به بیداری و استقامت در راه حق و عدالت تشجیع می‌نمودند، مجاهدین در خیابانها و میدان عمومی و مقابل تلگرافخانه رژه می‌رفتند و خطبای ملت مردم را به اتحاد و بیداری در مقابل استبداد دعوت می‌نمودند.

همانطوری که مردم تبریز مخصوصاً مشروطه خواهان محمد-

نگرانی محمدعلیشاه عیشاه را می‌شناختند و به خوبی از خیانت کاری و اجنبی-
از اوضاع تبریز پرستی او آگاه بودند و از بدو طلوع مشروطیت با همه تظاهرات

مشروطه طلبی که گاه‌گاهی برای فریب دادن مردم از خود

نشان می‌داد کمترین اعتمادی نداشتند و یقین داشتند که دیر یا زود باید با آهن و آتش حساب خود را با آن مرد سفاک تصفیه کنند. محمدعلیشاه هم مردم تبریز را بخوبی می‌شناخت و از بیداری و سرسختی آنها اطلاع داشت و یقین داشت که اگر همه شهرستانها از پای درآیند و مجلس شورای ملی از میان برداشته شود، مردم شجاع و سخت کمان تبریز دست از مقاومت برنخواهند داشت و به سهولت تسلیم نخواهند شد، بهمین جهت پیش از آنکه مجلس را به توپ ببندد بیشتر سعی خود را معطوف سرکوبی مردم تبریز و ویران کردن آن آشیانه آزادیخواهی می‌نمود.

با اینکه هزارها فرد مسلح در اطراف انجمن اسلامی جمع کرده و بیش از نیمی از شهر تبریز در تصرف مستبدین بود و روزبروز دامنه نفوذ و قدرت آنها افزونی می‌یافت و به دستیاری روسها کلیه افراد متمکن و متنفذ به طرف انجمن اسلامی تمایل پیدا کرده بودند، به کلیه رؤسای ایلات و خوانین مستبد و سرکش دستور داده شده بود که آنچه در قوه دارند عده مسلح گرد خود جمع نموده و برای هجوم به تبریز آماده باشند و بمحض اطلاع به طرف شهر هجوم برده و با کمک انجمن اسلامی، کانون مشروطیت را خاموش کنند و آن آتش مقدس را تبدیل به خاکستر نمایند.

محمدعلیشاه می‌خواست از آزادیخواهان تبریز انتقام بگیرد و شهر تبریز را به خاک و خون بکشد. او قانع به از میان بردن نهضت مشروطه نبود، او می‌خواست همه کسانی که در این نهضت مقدس شرکت کرده و آتش انقلاب را روشن کرده بودند از میان ببرد و سلطنت استبدادی خود را در روی اجساد شهدای راه آزادی و ویرانه‌های مراکز

ملی استوار نماید.

آزادیخواهان تبریز که می‌خواستند عده‌ای مجاهد مسلح به یاری مشروطه‌خواهان تهران و محافظت مجلس شورای ملی بفرستند یک وقت متوجه شدند که خود آنها بیش از تهران در خطرند و دشمن بدخواه از هر طرف آنها را محاصره کرده دیر یا زود مورد هجوم قرار خواهند گرفت، این بود که بناچار ستارخان و مجاهدینی که از شهر بیرون رفته و رهسپار تهران بودند به شهر برگردانیدند و مراکز مهمی که در تصرف داشتند به دست توانای او سپردند.

بطوری که در جلد چهارم این تاریخ نگاشتیم محمدعلیشاه

پس از آنکه تمام تدارکات لازم را برای از میان بردن

مشروطه و ویران کردن مجلس تهیه نمود پیش از آنکه شروع

به جنگ کند مخبرالدوله را که از مستبدین معروف بود به

وزارت پست و تلگراف انتخاب کرد و برای آنکه مردم شهرستانها را غافلگیر کند و

نگذارد به یاری تهران قیام کنند و از آنچه در تهران می‌گذشت بی‌خبر باشند دستور داد

کلیه سیمهای تلگراف شهرستانها را به مرکز قطع نمایند، بهمین جهت آزادیخواهان

تبریز که تلگرافخانه را در دست داشته و هراسمت با وکلای تهران و مراکز ملی

شهرستانها گفتگو و کسب اطلاع می‌کردند، رابطه‌شان با تهران بکلی مقطوع شد و

آنچه در صدد برآمدند بوسیله سیم تلگراف هند و اروپا که در دست انگلیسها بود و یا از

طریق قفقاز خبری از اوضاع تهران به دست بیاورند نتوانستند و سه روز را در حال بهت و

بلاتکلیفی و نگرانی گذرانیدند.

سیرزا محمدعلیشاه تبریز که یکی از سران مشروطه‌خواهان تبریز بود برای

نگارنده اینطور نقل کرد:

من از طرف انجمن ایالتی مأمور اداره تلگرافخانه بودم و در کلیه مخابراتی که

میان تهران و تبریز می‌شد شخصاً سردستگاه حضور داشته نظارت می‌کردم، پس از سه

روز بی‌خبری دستگاه تلگراف به صدا درآمد و بدون آنکه بدانیم از کجا یا ما حرف می‌زنند

این خبر را به ما داد، مجلس به توپ بسته و ویران شد، رهبران مشروطه همگی دستگیر

شدند و در باغشاه زیر زنجیرند، ملک‌المتکلمین و سیرزاجهانگیرخان را در باغشاه شهید

کردند.

این خبر مرا چنان از خود بیخود کرد که نزدیک بود از پای درآیم ولی در نظر

گرفتن مخاطره‌ای که تبریز را تهدید می‌کرد مرا وادار نمود که براعصابم مسلط شوم و

تا وقت نگذشته و این خبر موحش در شهر منتشر نشده اعضای انجمن و رهبران انقلاب

را از چگونگی اسر و آنچه در تهران گذشته بود آگاه نمایم.

بلادرنگ به انجمن رفتم و جلسه سری تشکیل دادیم و در اطراف اوضاع به گفتگو و کنکاش پرداختیم.

تربیت معتقد بود که اگر این خبر اول به مستبدین و اسلامی نشینان رسیده بود میلیون غافلگیر می شدند و بلافاصله بدون آنکه بتواند از خود دفاع کنند مورد هجوم قرار می گرفتند و کار از کار می گذشت ولی خوشبختانه بواسطه بدست آوردن خبر، ما فرصتی پیدا کردیم که تا آنجایی که وسیله داشتیم خود را جمع آوری کنیم و برای مقاومت در مقابل هجومی که فردای آنروز به ما شد آماده شویم.

کسروی می نویسد مخبر السلطنه خبر توپ بستن مجلس را بوسیله تلگراف حضوری که با اردبیل داشت بدست آورد.

یکی از مورخین می نویسد خبر توپ بستن مجلس را میرزا حسن رئیس المجاهدین از قزوین به اطلاع انجمن ایالتی رسانید، بهر حال این پیش آمد فرصتی به دست مشروطه خواهان داد که خود را جمع آوری نموده و با یأس و ناامیدی آماده دفاع شوند.

تصور می کنم خوانندگان این تاریخ خود متوجه تأثیری که
انتشار و تأثیر خبر
خبر توپ بستن مجلس در مجامع آزادیخواه و مستبدین تبریز
توپ بستن مجلس در موقعی که در مقابل هم صف آرای کرده و هر طرف برای
ریختن خون طرف دیگر مهیا شده بود می باشند.

هنوز چند ساعتی از انتشار آن خبر شوم در شهر تبریز نگذشته بود که هزارها اوراق چاپی و اعلامیه از طرف علمای اسلامیة نشین و مستبد در مدح و ثنای پادشاه جابر و تکفیر مشروطه خواهان و تحریم مشروطیت منتشر گردید و فریاد مرده باد مشروطه و زنده باد محمدعلیشاه از انجمن اسلامیة و محلات اطراف آن بلند شد.

یک اعلامیه از طرف سران مستبدین منتشر شد که کسانی که مشروطه خواه نیستند و از مشروطه طلبها و بایی ها و کفار بیزارند و می خواهند جان و مالشان در امان باشد باید یک بیرق سفید بالاسر در خانه خود نصب کنند.

مردم تبریز بطوری مرعوب و آشفته خاطر شده و ترسناک بودند که در ظرف چند ساعت به استثنای یک ربع از شهر از این امر اطاعت کرده و برای حفظ جان و مال خود بیرق سفید برافراشتند و دسته دسته راه انجمن اسلامیة را پیش گرفتند.

ساعت بساعت از عده کسانی که ادعای مشروطه خواهی می کردند کاسته می شد و بر جمعیت مستبدین و اسلامیة افزوده می گشت، جمعی از مشروطه خواهان معروف همینکه جنگ شروع شد و مستبدین قسمتی از شهر و بازار را بتصرف در آوردند از شهر فرار کردند و جمعی به قنسولخانه انگلیس و عثمانی پناه بردند.

دسته دسته افراد مسلح از خارج بیاری مستبدین می رسید و تلگرافهای پی دزی

محمدعلیشاه آنها را برای هجوم به مشروطه خواهان و از میان بردن آنان تشجیع می نمود قنصل روس چه شخصاً و چه بوسیله تاجر باشی و افراد متمولی که در پناهِشان بودند به مشروطه خواهان اندرز می دادند که مقاومت جز خود کشی و انتحار نتیجه ای ندارد و بهتر است بدون کمترین مقاومت به شاه تسلیم شوید و هرگاه از جان و مال خود نگران هستید ما شما را در پناه خود می گیریم و گزند می رسد.

تمام عوامل نفوذ برای مرعوب کردن و به زانو درآوردن یک مشت مردم مشروطه خواه که فقط اعتماد به خدا و ایمان راسخ خود داشتند و دستشان از هر نوع مساعدت و کمکی کوتاه بود بکار افتاد بود.

مردی برپا خاست

در آن محیط ترس و وحشت، در آن سرزمین یأس و ناامیدی، در آن روزیکه روزنه امید برای احرار و آزادمردان دیده نمی‌شد و تاریکی استبداد و نفوذ اجانب همه‌جا را فرا گرفته بود، در آن روزی که حتی مردانی که به شجاعت و تهور معروف بودند و دم از مشروطه‌خواهی می‌زدند از روی یأس و ناامیدی راه فرار پیش گرفته و یا در کنج خانه سربز زانوی غم نهاده به حال زار مملکت و آزادی‌زاری می‌کردند، در آن روزی که دشمنان بدخواه آزادی‌کمترین تردیدی در موفقیت و کاسیابی خود نداشتند و نقشه کشیدن انتقام از یک شست مردم از جان گذشته و وطن دوست را می‌کشیدند، در آن روزی که نماینده امپراطوری روسیه خود را حاکم برتقدیرات آذربایجان می‌دانست و کسانی که لباس روحانیت در برداشتند و حجة الاسلام و امام جمعه و آیت الله بودند با شاه ستمگر و سیاستمداران اجنبی همدست و هم‌پیمان شده برای ریشه کن کردن افکار نوین و از بن کندن درخت آزادی کنکاش و تلاش می‌کردند یک مرد باریک اندام بلند قد سیاه چهره از طبقه سوم و یا به قول معروف اواسط الناس که کمترین معروفیتی نداشت و دوره عمرش را به کسب و کارهای کوچک گذرانیده بود و از زمانی که ستاره آزادی در افق تبریز طلوع کرد با یک ایمان راسخ و قلبی پاک برای حفظ وطن و آزادی تفنگ بردوش گرفته در صف مجاهدین وارد شده بود و در روزهای اخیر بواسطه استقامت و ایمانی که از خود نشان داده بود و علاقه‌ای که به حفظ مبانی مشروطیت داشت با عده‌ای هم‌عهد و پیمان شده بود که برای نجات مجلس و مشروطه روانه تهران بشود و در ردیف حافظین مجلس شورای ملی قرار بگیرد، قدمردی و مردانگی علم کرد و بیرق مشروطیت و آزادی را بردست گرفت و بطوری که در صفحات آینده این تاریخ خواهیم دید یکه سوار ناخت و تاز میدان نهضت مشروطیت گردید و در مقابل خصم پیداگر که دارای همه وسایل بود و تمام مملکت را بجز یک محله از محلات شهر تبریز در دست داشت چنان پایداری و مجاهدت کرد و شجاعت از خود نشان داد و به فتوحاتی نایل گردید که دیری نگذشت شهرت جهانی پیدا کرد و نامش نقل مجالس و شرح حالش در سر لوحه جراید و

عکسش بر صفحات روزنامه‌ها و مدال‌ش زینت سینه جوانان آزادیخواه شد و نامش در تاریخ انقلاب ایران جاویدان گشت و در ردیف پهلوانان آزادی جای گرفت.

ستارخان سردار ملی



ستارخان سردار ملی

شاید حق این بود که در آن موقع که یکی از بزرگترین مردان انقلاب مشروطیت وارد در سیر تاریخ شود شرح حال و زندگانی و یا به اصطلاح امروز بیوگرافی او را